

کثرت زبان و وحدت جان: بررسی ساختاری و محتوایی اشعار دکتر سید عنصر اظہر
**Plurality of Language and Unity of Soul: A Structural and Thematic Study
of Dr. Syed Ansar Azhar's Poetry**

Dr. Tehmina Akbar

Department of Persian, Govt. Graduate College for Women, Sahiwal

tehminkaakbar902@gmail.com

Abstract

This research article examines the life, thoughts, and poetry of Dr. Syed Ansar Azhar, focusing on his trilingual book *Udas Aankhon Se Muskurana* (اداس آنکھوں سے مسکرانا). The study shows that although the poet uses three different languages—Urdu, Punjabi, and Persian—his core message and spiritual feeling remain completely the same (Unity of Soul). Using a clear analytical approach, the paper explains how his Urdu poetry section reflects the deep sadness of Mir Taqi Mir and Nasir Kazmi, while his Punjabi verses express the humble Sufi tradition of Shah Hussain and Baba Bulleh Shah. In his Persian ghazals, he beautifully combines the classical ideas of Omar Khayyam, Jalaluddin Rumi, and Hafiz Shirazi. The article concludes that his poetry easily crosses linguistic boundaries to give a beautiful message of humanity and peace.

Keywords: Dr. Syed Ansar Azhar, Unity of Soul, Trilingual Poetry, Persian Ghazals, Classical Influence, Contemporary Poetry.

چکیده: این مقاله به بررسی زندگی، اندیشه‌ها و اشعار دکتر سید عنصر اظہر با تمرکز بر کتاب سه‌زبانۀ او «آنکھوں سے مسکرانا» (با چشمان اندوہگین لبخند زدن) می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق نشان دادن این نکته است که شاعر چگونه توانسته در عین استفاده از سه زبان مختلف (کثرت زبان)، یک پیام واحد و احساس عمیق انسانی (وحدت جان) را بیان کند. این پژوهش با روشی ساده و تحلیلی نشان می‌دهد که اشعار اردوی او یادآور غم باوقار میر تقی میر و ناصر کاظمی است؛ در حالی که اشعار پنجابی او سادگی و فقر صوفیانۀ شاه حسین و بابا بلہ شاه را نشان می‌دهد. در بخش غزل‌های فارسی نیز، او اندیشه‌های ارزشمند عمر خیام، مولانا رومی و حافظ شیرازی را با زبانی روان با هم ترکیب کرده است. نتیجۀ این تحقیق نشان می‌دهد که شعر او از مرز زبان‌ها فراتر رفته و پیام‌آور دوستی و آرامش است.

واژه‌های کلیدی: دکتر سید عنصر اظہر، وحدت جان، شعر سه‌زبانہ، غزل‌های فارسی، تأثیر شعر کلاسیک، شعر معاصر.

۱. مقدمه و پس‌زمینۀ تاریخی

تاریخ زبان و ادبیات فارسی در شبہ قارہ، پیشینہ‌ای طولانی و فراتر از ہزار سال دارد. این زبان در گذشتہ، بہ عنوان زبان رسمی، علمی و فرهنگی این منطقہ شناختہ می‌شد و شاعران بزرگی چون امیر خسرو دہلوی، صائب تبریزی، بیدل دہلوی و علامہ اقبال لہوری آثار خود را بہ این زبان سرودند. اما با گذشت زمان و بہ دلیل تحولات سیاسی دوران استعمار، جایگاہ زبان فارسی در این منطقہ کم‌کم ضعیف شد؛ تا جایی کہ امروزہ حضور آن در جامعہ بسیار کم‌رنگ شدہ است (۱).

با این حال، تلاش دکتر سید عنصر اظہر در سرودن غزل‌های روان و استوار فارسی، گامی ارزشمند برای زندہ نگاہ داشتن این میراث مشترک ادبی در پاکستان امروز است. اثر سه‌زبانہ او، بہ ویژہ بخش

فارسی آن، نشان می‌دهد که علاقه به شعر فارسی و ذوق کلاسیک هنوز در میان اهل علم و ادب در این دیار زنده است و شاعر توانسته است این راه قدیمی را به زیبایی ادامه دهد.

۲. پیشینه تحقیق (Literature Review)

شعر سه‌زبانه و آمیختگی زبان‌های اردو، پنجابی و فارسی در شبه‌قاره، همواره مورد توجه محققان بوده است. نقادان بزرگی چون دکتر جمیل جالبی (۲) و دکتر وزیر آغا (۳) معتقدند که صوفیان و شاعران این خطه هرگز خود را در مرزهای یک زبان محدود نکرده‌اند، بلکه از زبان‌های مختلف برای بیان یک حقیقت واحد استفاده کرده‌اند. از آنجا که کتاب «آنکھوں سے مسکرانا» یک اثر معاصر و تازه انتشار یافته است، بررسی مستقل و علمی درباره آن صورت نگرفته بود. این مقاله با بررسی ساختاری و فکری این اثر، تلاش می‌کند جایگاه آن را در پیوند دادن شعر معاصر با سنت کلاسیک صوفیانه مشخص کند و نشان دهد که چگونه روح تفکر واحد، در لباس سه زبان مختلف آشکار می‌شود.

۳. احوال شاعر، اصالت خانوادگی و سفر شعری

برای درک بهتر شعر یک شاعر سه‌زبانه، لازم است ابتدا با زندگی، خانواده و پیشینه علمی او آشنا شویم.

(الف) اصالت و پیشینه خانوادگی: به گفته دکتر سید عنصر اظہر، اجداد وی همراه با سپاه سلطان محمود غزنوی از شهر تاریخی ترمذ (در ازبکستان کنونی) به شبه‌قاره هند هجرت کردند و در منطقه‌ای به نام «کرنال سیانه میدان» ساکن شدند. پس از تقسیم شبه قاره در سال ۱۹۴۷ میلادی، خانواده او به شهر جهنگ (در پاکستان) آمدند. دکتر سید عنصر اظہر در روستای «تہتہ واره شاه» در منطقه چنیوت به دنیا آمد. پدر ایشان از کارمندان خوش‌نام و شریف دولت بود که محیطی سرشار از ادب و اخلاق را برای فرزندان فراهم کرد.

(ب) پیشینه تحصیلی و دانشگاهی: وی آموزش‌های ابتدایی خود را در یک مدرسه دولتی در شهر سکهر (سند) آغاز کرد و دوران دبیرستان را در مدرسه «پی.آر.آی» (PRI) لاهور به پایان رساند. او که عاشق زبان و شعر کلاسیک بود، مدرک کارشناسی ارشد خود در رشته زبان و ادبیات فارسی را از «دانشکده خاورشناسی دانشگاه پنجاب» (Oriental College) گرفت. سپس مدارج پیش‌دکتری (M.Phil) و دکتری (PhD) خود را در همین رشته از «دانشگاه جی.سی.سی لاهور» (GCU) با موفقیت به پایان رساند.

(ج) خدمات اداری، علمی و ملازمت: دکتر سید عنصر اظہر در سال ۱۹۹۷ میلادی به عنوان مدرس (Lecturer) در دانشکده دولتی استخدام شد و رسماً وارد عرصه آموزش عالی گردید. او افزون بر تدریس، علاقه فراوانی به فعالیت‌های علمی داشت؛ به طوری که در طول ۲۸ سال خدمت خود، کمک زیادی به انتشار مجلات علمی و پژوهشی دانشگاهی کرد. وی از مارس سال ۲۰۲۳ میلادی، به عنوان مدیرکل آموزش عمومی دانشکده‌های پنجاب (DPI Colleges) منصوب شد. ایشان در مقدمه کتاب خود درباره پذیرش این مسئولیت سنگین می‌گوید:

«در مارس ۲۰۲۳ میلادی، فرمان انتصاب من به عنوان مدیرکل آموزش عمومی دانشکده‌ها (DPI) صادر شد. با خداحافظی از زندگی آموزشی و تدریس، سفر پر فراز و نشیب و سخت‌مدیریت و امور

اداری آغاز شد. از همان روز نخست، تصمیم گرفتم برای اصلاح و سربلندی این نهاد تلاش کنم و تا کنون با وجود تمام سختی‌ها، در این راه گام برمی‌دارم.» (۴)

د) سیر ارتقای شعر و شاعری: علاقه به شعر و ادبیات از همان دوران کودکی در او وجود داشت، اما وی این استعداد را برای سال‌های طولانی پنهان نگاه داشت. بعدها، به دلیل دلبستگی‌های علمی و با تشویق دوستانش، تصمیم به انتشار اشعارش گرفت. او معتقد است که شغل تدریس و مطالعه در ادبیات فارسی، شوق شاعری را در او زنده کرد. روح حسّاس و تجربیات شخصی و اجتماعی، انگیزه اصلی او در سرودن شعر بوده‌اند. در این میان، احوالات قلبی، آرامش روحانی و ارادت به بزرگان شعر کلاسیک، همواره نقشی بزرگ در پیشرفت قلم او داشته‌اند.

۴. معرفی اثر و تبیین عنوان: «آنکھوں سے مسکرانا»

این کتاب، مرکز اصلی اندیشه‌های دکتر سید عنصر اظہر است. عنوان کتاب خود یک تضاد زیبایی ادبی (Paradox) دارد. در این اثر، اندوه به معنی ناامیدی نیست، بلکه یک «اندوه باوقار و صوفیانه» است که شاعر آن را در پشت لبخند تسلیم و رضا پنهان می‌کند. این کتاب نشان می‌دهد که چگونه یک پیام واحد (وحدت جان)، وقتی در زبان‌های مختلف (اردو، پنجابی و فارسی) بیان می‌شود، زیبایی‌های متنوعی (کثرت زبان) پیدا می‌کند.

۵. بررسی ساختاری، محتوایی و تحلیل اسلوب کلام

بخش اول: کلام اردو (جلوہ غم درونی پر باوقار)

کلام اردوی دکتر سید عنصر اظہر، روایتی ساده و صمیمی از دردهای پنهان انسان امروز است. در غزل‌های اردو، او به مفاهیمی چون تنهایی، دوری از رفتارهای مصلحت‌آمیز جامعه و تقابل حقیقت و سراب می‌پردازد. سبک غزل‌های اردوی او بسیار روان و در زمره «سهل ممتنع» قرار می‌گیرد که بدون بوجهل کردن ذهن قاری، معنا را منتقل می‌کند.

پنهان کردن زخم در پشت لبخند و با وقار زیستن در کلام او، شباهت بالایی به سبک اندوه درونی «میر تقی میر» دارد (۵) برای درک این موازنه می‌توان به این دو شعر نگریست:

- دکتر سید عنصر اظہر: "کہ زخم کھا کر انہیں چھپانا کمال ہے ہے"
- میر تقی میر: "اشکِ خون آنکھوں میں میری دیکھ کر ہنسنے لگا / واہ کیا تکیہ ہے اس بیداد گر کے سامنے"

هر دو شاعر به جای گلایه و فریاد، غم را در درون خود پنهان می‌کنند. همچنین تصویر زیبایی بلند کردن گل‌های زرد پژمرده در پاییز، یادآور فضای خطرناک و پر از تنهایی شعر پاییزی «ناصر کاظمی» است (۶) شاعر عقل عافیت‌طلب را کنار می‌زند و مانند «خواجہ میر درد» عشق را ترجیح می‌دهد. (۷)

نمونه کلام اردو:

اداس آنکھوں سے مسکرانا کمال یہ ہے
کہ زخم کھا کر انہیں چھپانا کمال یہ ہے
بہار رت میں گلاب چننا کمال کیا ہے
گرے ہوئے زرد گل اٹھانا کمال یہ ہے
بسیط صحرا کی پیاس اپنے لہو میں بہرنا

اسی سے خاک شفا بنانا کمال یہ ہے
مقام معراج رفعتوں کی تھی آخری حد
بلندیوں سے پلٹ کے آنا کمال یہ ہے
سراب چہرے سراب آنکھیں سراب باتیں
انہی سراہوں سے دل لگانا کمال یہ ہے
ہے چاند سورج خلا کی تسخیر سرفرازی
زمین کو عرش بریں بنانا کمال یہ ہے

(بخش اردو، صص ۵-۶)

بخش دوم: کلام پنجابی (کمال فقر و انکسار صوفیانہ)

ہنگامی کہ دکتور سید عنصر اظہر بہ زبان پنجابی شعر می گوید، کلام او رنگی کاملاً صوفیانہ و مردمی بہ خود می گیرد۔ در این بخش، او رفتارهای ظاہری و طبقاتی جامعہ را با شجاعت بہ نقد می کشد۔ شاعر با بہ کارگیری کلمات اصیل و بومی پنجاب (مانند بیوپاری، روڑی، دھریک)، بہ کلام خود صمیمیت بخشیدہ است۔

از جہت فکری، تقابل میان «منصور» با نمادہای شریعت ظاہری یعنی «ملا و مفتی»، نشان دہندہ تأثیر پذیری عمیق او از مکتب فکری و انتقادی «بابا بلّہ شاہ» است (۸) موازنہ کلام او با بلّہ شاہ این حقیقت را روشن تر می کند:

• دکتور سید عنصر اظہر: "ملاں وی توں، مفتی وی توں، میں کلا منصور"

• بابا بلّہ شاہ: "بلّہا اسیں منصور ہاں، جیہڑے چڑھے سولی ہس ہس کے"

شاعر خود را در برابر عظمت حق، ناچیز شمرده و با انتساب خود بہ «روڑی» (تودہ خاک و خاکستر خاکسار) و معرفی خود بہ عنوان یک «علمی مزدور»، یادآور نگاہ صوفیانہ و بی پیرایہ «شاہ حسین لاہوری» می شود۔ (۹)

نمونہ کلام پنجابی:

توں گلاں دا بیوپاری ایس، سچ لئی میں مجبور
ملاں وی توں، مفتی وی توں، میں کلا منصور
تیرا سودا دنیا داری، میرا رستہ طور
تیری منزل گھروں نکلدے، میری منزل دور
جو توں بولیں ہیرے موتی، میری گل فضول
میںوں میرے یار نا جانن، توں کئی مشہور
تیرا میرا جوڑاے سجنان، دھرتی امبر والا
میں روڑی دے ککھاں ورگا، توں دھرتی دی حور
جھوٹیاں گلاں بنجر سوچاں، ایہہ اشرف مخلوق
دنیا والے ہسدے پھردے، میں کلا رنجور

اپنی اپنی قسمت سجان، آجر تے مجبور
دولت تیرے گھر دی باندی میں علمی مزدور
(بخش پنجابی، صص ۱۲۷-۱۲۸)

بخش سوم: غزل‌های فارسی (تجلی پخته طرزِ تلفیقی و فلسفه فنا)

دکتر سید عنصر اظہر نقش مهمی در زنده نگه داشتن زبان فارسی ایفا کرده است و این مایه افتخار بزرگ ماست. غزل‌های او نشان دهنده عمق تفکر، آشنایی با مسائل اجتماعی و تجلی احساسات پاک انسانی است. تسلط علمی او از غزل‌های فارسی او آشکار می‌شود. در این بخش، روح شعر کلاسیک در کالبد کلامی روان دمیده می‌شود؛ جایی که ناپایداری دنیا و گذر شتابان عمر با سوز عشق پیوند می‌خورند. این اشعار ترکیبی هوشمندانه از افکار سه شاعر بزرگ فارسی است. (۱۰)

بررسی محتوایی غزل‌های فارسی نشان می‌دهد که درون‌مایه اصلی، همان فلسفه بی‌اعتباری دنیا و تأسف بر عمر رفته است که شباهت فکری نزدیکی با جهان‌بینی «حکیم عمر خیام» دارد (۱۱). موازنه زیر این فضا را به خوبی نشان می‌دهد:

• **دکتر سید عنصر اظہر:** "جوانی رفت و پیری آمد و خمار آخر رفت / شرابِ عمر تهی شد،
نوبهار آخر رفت"

• **حکیم عمر خیام:** "افسوس که نامه جوانی طے شد / و آن تازه بهار زندگانی دی شد"
از سوی دیگر، زنده ماندن شور عشق در پیری، یادآور **سوز جان «مولانا رومی»** است (۱۲). در نهایت، روانی کلام و ترکیب‌های استواری چون «چشم بیمار» و «زلف یار»، نشان‌دهنده الگوبرداری دقیق از **اسلوب «خواجہ حافظ شیرازی»** است.¹³ شاعر زبان فارسی را به عنوان زبان مادری جان و دل خود به کار گرفته است تا بر قارئین شبه قاره بوجهل نه گزرد.
نمونه کلام فارسی:

جوانی رفت و پیری آمد و خمار آخر رفت
شرابِ عمر تهی شد، نوبهار آخر رفت
نه زلفِ یار به دام آمد، نه قد چو سرو بماند
نخست آن چهره زیبا رفت، چشمِ بیمار آخر رفت
زپاکانِ ره عشق، ای دل، کسی باقی نماند
همه گفتند با دنیا وداع، یار آخر رفت
جهان چون باغ خزان دیده، تهی از رنگ و بو شد
چو گلِ زین باغ بگذشت، اعتبار آخر رفت
ز طلوع شمس دانستم که شب تابِ بقا نیست
گریزان شد ز چشمم، سایه شب کار آخر رفت
وصالِ یار نصیبِ عنصر از ازل نبود
دلش سپرد به حسرت، قرار آخر رفت
(بخش فارسی، صص ۱۳۷-۱۳۸)

۶. نتیجه‌گیری (Conclusion)

بررسی جامع اثر سه زبانه دکتر سید عنصر اظہر با محوریت عنوان «کثرت زبان و وحدت جان» ثابت می‌کند که تفاوت در ابزارهای زبانی (اردو، پنجابی و فارسی)، هرگز مانعی در مسیر بیان حقیقت واحد عرفانی ایجاد نمی‌کند. تجربیات ارزشمند علمی و تدریسی وی، به روانی و سادگی کلام کمک شایانی کرده است. او توانسته است در بخش اردو با سوز میر، در بخش پنجابی با فقر شاه حسین، و در بخش فارسی با تلیق اسلوب خیام، رومی و حافظ، پیوندی استوار میان ادبیات امروز و ریشه‌های کلاسیک پدید آورد. صفحات ۱۲۷ و ۱۳۷ این اثر، گواهی بر توانمندی بالایی در آفرینش شعر فصیح، سهل ممتنع و فرامرزی است که بر شنوایی و سماعت قاری سنگینی نمی‌کند و شایسته پژوهش در محافل دانشگاهی است.

۷. منابع و مراجع (References)

- (۱) احمد، ظهورالدین، تاریخ ادبیات فارسی در شبه‌قاره، لاهور: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۷۴، صص ۴۵-۵۰.
- (۲) جالبی، جمیل (ڈاکٹر)، تاریخ ادب اردو (جلد اول)، لاهور: مجلس ترقی ادب، ۱۹۸۴ء، صص ۲۸۴-۲۹۰.
- (۳) آغا، وزیر (ڈاکٹر)، اردو شاعری کا مزاج، لاهور: جدید ناشرین، ۱۹۶۹ء، صص ۱۱۵-۱۲۲.
- (۴) اظہر، سید عنصر (دکتر)، اداس آنکھوں سے مسکرانا (مجموعه کلام)، لاهور: جهنگ پبلشرز (مقدمه و دیباچه مؤلف)، ۲۰۲۶ء، صص ۵-۶، ۱۲۷-۱۲۸، ۱۳۷-۱۳۸.
- (۵) سید، عبدالله (ڈاکٹر عبدالله)، مباحث میر، لاهور: مجلس ترقی ادب، ۱۹۶۵ء، ص ۱۱۲.
- (۶) حسن، انتظار (انتظار حسین)، ناصر کاظمی: ایک عہد، یک شاعر، لاهور: سنگ میل پبلیکیشنز، ۱۹۸۸ء، ص ۴۵.
- (۷) فاروقی، شمس الرحمن، شعر شور انگیز، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ج ۱، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۳۴.
- (۸) شفیق، علی (ڈاکٹر علی شفیق)، تصوف اور پنجابی شاعری، لاهور: عزیز پبلشرز، ۱۹۸۲ء، ص ۸۹.
- (۹) آصف، خان (آصف خان)، آکھیا شاہ حسین، لاهور: پاکستان پنجابی ادبی بورڈ، ۱۹۹۰ء، ص ۲۱۴.
- (۱۰) بہار، محمدتقی (ملک الشعراء)، سبک‌شناسی؛ یا تاریخ تطور شعر فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۸ ش، ج ۳، ص ۲۵۸.
- (۱۱) خیام نیشابوری، رباعیات خیام، تصحیح فروغی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۲ ش، ص ۴۲.
- (۱۲) مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، دفتر سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۱۸.
- (۱۳) حافظ شیرازی، دیوان حافظ، تصحیح قزوینی و غنی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵ ش، غزل ۱۶۶.

